

فهم قرآن حکیم



تفسیر سوره‌های قرآن
بر اساس ترتیب نزول



محمد عابد الجابری
ترجمه محسن آرمین



نشرنی

فهرست مطالب

- مقدمه مترجم ۹
پیشگفتار: چگونه قرآن را بفهمیم؟ ۱۷

مرحله اول

نبوت، ربوبیت و الوهیت

- سخن آغازین ۳۳
۱. سوره علق ۳۵
۲. سوره مدثر ۴۰
۳. سوره مسد ۵۱
۴. سوره تکویر ۵۷
۵. سوره اعلی ۶۲
۶. سوره لیل ۶۸
۷. سوره فجر ۷۲
۸. سوره ضحی ۷۸
۹. سوره انشراح ۸۱

فهرست مطالب

مقدمه. آشکار ساختن دعوت و پایداری در آن..... ۹

مرحله چهارم

پایداری در اجرای فرمان و تماس با قبایل

سخن آغازین..... ۳۵

۵۳. سوره حجر..... ۴۱

۵۴. سوره انعام..... ۵۸

۵۵. سوره صافات..... ۹۶

۵۶. سوره لقمان..... ۱۱۲

۵۷. سوره سبأ..... ۱۲۲

تکمله و چشم اندازی به موضوع:

جریان دعوت در موسم سالیانه عرب را هدف قرار می دهد..... ۱۳۵

سوره علق

مقدمه

سوره علق^۱ با عبارت «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» آغاز می‌شود. معنای این عبارت این است: قرائت را به تبرک و تیمن با ذکر «اسمِ رَبِّكَ» آغاز کن و این بر طبق عادت عرب زمان نزول وحی است که سخن خود را به نام یکی از آلهه خود متبرک کرده می‌گفتند به اسم لات یا به اسم عزى.... در حدیث آمده است هنگامی که حضرت رسول متن پیمان نامه صلح حدیبیه را به علی [ع] املا می‌کرد، فرمود: بنویس «بسم الله الرحمن الرحيم». نماینده قریش اعتراض کرده گفت: ما «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نمی‌شناسیم. چیزی بنویس که ما آن را می‌شناسیم. بنویس «باسمک اللهم»^۲ یعنی به نام تو ای الله. این تعبیر در اسلام نیز پذیرفته شده و در قرآن به کار رفته بود، از جمله این آیه «دَعَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» (یونس: ۱۰) و نیز «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ» (آل عمران: ۲۶). عرب این تعبیر را به کار می‌برد، زیرا الله را می‌شناخت و به او ایمان داشت، اما برای او شریکان

۱. این سوره به دلیل به‌کاررفتن واژه «علق» در آن به این نام معروف شده است. همین‌جا باید یادآور شویم که اسامی سوره‌ها ضرورتاً دلالتی بر موضوع یا مضمون آن‌ها ندارند و غالباً سبب نام‌گذاری آن‌ها به اسمی معین، صرفاً آن است که اسم مذکور در سوره به کار رفته است.

۲. طبری، تاریخ الطبری، ۲: ۶۳۴.

و واسطه‌هایی از فرشتگان و کواکب و نجوم و بت‌ها قائل بود و آن‌ها را واسطه‌هایی می‌دانست که ایشان را به خداوند نزدیک، و شفاعت می‌کردند.

متن سوره

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (به نام خداوند مهرگستر مهربان)، إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) [ای محمد] بخوان به برکت نام پروردگارت که بیافرید، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) [تورا از خونی بسته آفرید، إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳) [بخوان، و پروردگار تو همان بزرگوارترین است]، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) [آن که [نوشتن] با قلم بیاموخت. همان که تو را به وحی‌ای که کتابی خواهد شد، بزرگ داشت]، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵) [و از خلال آن وحی] تورا آن‌چه نمی‌دانستی بیاموخت — آگاه خواهد کرد —).

بقیه سوره را در آینده مورد شرح و بررسی قرار خواهیم داد.

شرح

نکته قابل توجه در این جا آن است که این پنج آیه از خلال تمرکز بر دو اصل: خَلَقَ — عَلَّمَ، و ربط آن‌ها اولاً به انسانی مشخص که مقصود حضرت محمد (ص) است و ثانیاً به داده‌های تجربی روزانه و قابل درک برای انسان (تعلیم به انسان به وسیله قلم)، اعتقادات اسلامی را بیان می‌کند. بدین ترتیب، معنای این پنج آیه چنین است: ای محمد به اسم پروردگارت متبرک شو و که این پروردگاری که به تو وحی می‌کند همان کسی است که تورا در رحم مادرت از خون بسته‌ای آفرید که صورت تغییر یافته نطفه‌ای از پدرت بود. و نیز او همان است که به قلم تعلیم داد و آن‌چه را که نمی‌دانستی به تو آموخت.

این آیات ما را متوجه این حقیقت می‌کند که در قرآن خلقت در سه سطح مطرح شده است: ۱- آفرینش فرد انسان از علق؛ ۲- آفرینش نوع انسان (آدم) از خاک؛ ۳- آفرینش عالم (آسمان‌ها و زمین از دود) که در آینده به تفصیل بدان خواهیم پرداخت. اما «علق» جمع علقه به معنای خون بسته شده است و به این دلیل «علق» نامیده شده که «خون به خاطر رطوبتش بر هر چه که جاری شود بدان می‌چسبد و پس از خشک شدن چسبندگی خود را از دست می‌دهد». به نظر ما استنباط قرطبی مبنی بر این که «در آیه واژه "علق"

جمع "علقه" است و مقصود این است که مجموعه انسان‌ها یعنی بنی آدم را از خون‌های بسته آفریده است^۱ موجه نمی‌نماید، زیرا «مجموعه انسان» معنا ندارد. مقصود از انسان یا فرد و افراد انسان یعنی مصادیق انسان است و یا نوع انسان است و یا مفهوم انسان. مطابق قرآن: خداوند نوع انسان را که آدم باشد از خاک آفریده است و شخص و اشخاص انسان را که افراد بنی آدم باشند از علق خلق کرده است. اما انسان به منزله یک شخص مابه‌ازای خارجی ندارد. آیات «وَأَنَّهُ خَلَقَ الزُّوجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ. مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ»^۲ (نجم: ۴۵-۴۶) در سوره نجم تأییدی بر درستی سخن ماست. در دو آیه زیر سخن از شخص انسان است که طبق روایات فردی معین یعنی همان ولید بن مغیره است: «أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّىٰ. وَ أَعْطَىٰ قَلِيلًا وَأَكْدَىٰ»^۳ (نجم: ۳۳-۳۴). همچنین است آیه: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى. أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَىٰ. ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ. فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ»^۴ (قیامت: ۳۶-۳۹) که درباره ابوجهل بن هشام است و یا این فرموده خداوند: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ. ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ. ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^۵ (مؤمنون: ۱۲-۱۴) که باز

۱. ما در ارائه آدرس تفاسیر به نام مشهور مفسران مثل (قرطبی، زمخشری، رازی و...) بسنده می‌کنیم. در این‌گونه موارد با توجه به سوره و شماره آیه مراجعه به منبع آسان است و نیازی به ذکر شماره صفحه و نوبت چاپ و... نیست.

* مؤلف در این کتاب چه در مورد آرای تفسیری و چه در مورد روایات و اقوال از ذکر منابع خودداری کرده است. اما در ترجمه حاضر کوشیده‌ایم آدرس روایات و آرا و اقوال را ذکر کنیم. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۲۰: ۱۹-م.

۲. و اوست که دو گونه، نر و ماده، بیافرید، از نطفه‌ای، آن‌گاه که در رحم ریخته شود.

۳. آیا دیدی آن کس را که [از پذیرفتن حق] رویگردان شد؟ و اندکی [از مال] بداد و دست باز داشت — در انفاق بخل ورزید — ؟

۴. آیا آن انسان می‌پندارد که او را بیهوده و رها فرو گذارند — که در دنیا مکلف نباشد و در آخرت برانگیخته و حسابرسی نشود و پاداش و کیفر نبیند —؟! آیا او نطفه‌ای از منی که [در رحم] ریخته می‌شد، نبود؟ سپس خون بسته بود، پس [خدایش] بیافرید و درست اندام کرد؟ پس، از آن دو گونه، مرد و زن، ساخت. و هر آینه ما انسان (مشركان قریش) را از خلاصه و چکیده‌ای از گِل آفریدیم. سپس او را نطفه‌ای — در